

تحلیل جامعه‌شناختی از منافع و کنش‌گری انجمن‌ها و احزاب سیاسی در مشروطه گیلان انجمن عباسی - اجتماعیون عامیون

علیرضا زادبر

جلال درخشه** مجتبی مقصودی***

چکیده

انجمن‌ها و احزاب مشروطه خواه گیلان با بسیج عمومی و عزیمت به سمت پایتخت با هدف فتح تهران و حذف استبداد در فرآیند بازگشت مشروطیت نقش اساسی ایفا کردند. از میان احزاب متعدد دو مورد برجستگی دارند: انجمن عباسی، اجتماعیون عامیون. در اوج خفقان سردار افخم حاکم گیلان این احزاب و انجمن‌ها توانستند با اشتراک منافع و سازمان‌دهی با دهقانان در رهایی از استبداد نقش‌آفرینی کنند. این مقاله بر آن است تا مدل کنش‌گری این تشکلهای را بررسی کند. چهارچوب نظری مقاله، مبتنی بر نظریه بسیج منابع چارلز تیلی است که دو متغیر منافع و سازمان در آن به‌عنوان ملاک رفتار شناسی مرکزیت دارند. این پژوهش در جستجوی پاسخ به این سوال است که فرآیند بسیج منابع احزاب در مشروطه گیلان براساس دو متغیر منافع و سازمان چگونه است و چرا نسبت به سایر مناطق پیش‌تازانه دست‌به‌اقدام فعالانه زدند. یافته‌های این تحقیق با روش تاریخی - تحلیلی و گردآوری کتابخانه‌ای حاکی از آن است این احزاب با الگوبرداری از جریانات فکری همسایه شمالی ایران، ایجاد ارتباط با شورش دهقانی گیلان، سازمان‌دهی و منافع مشترک توانستند مقدمات سقوط نماینده محمدعلی شاه را فراهم و به سمت تهران لشکرکشی کنند.

* دانشجوی دکتری رشته علوم سیاسی، مسائل ایران، دانشکده حقوق، هیات و علوم سیاسی، واحد

علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. zadbar86@gmail.com

** استاد گروه علوم سیاسی، گرایش اندیشه‌های سیاسی، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران.

(نویسنده مسئول) j.dorakhshah@yahoo.com

*** دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

maghsoodi42@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۵



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

کلیدواژه‌ها: انقلاب مشروطه، بسیج منابع، مشروطه گیلان، انجمن، کمیته، احزاب.

۱. مقدمه و بیان مساله

مجاهدین گیلان در تاریخ مشروطه پس از تهران و آذربایجان، کنشگری فعالانه و اثرگذاری در سطح ملی دارند. برجسته ترین جلوه این نقش آفرینی در جریان عزیمت به پایتخت و فتح تهران به همراه بختیاری های اصفهان قابل رصد و ردیابی است. کودتا علیه سردار افخم بالاخان حاکم منصوب محمدعلی شاه در گیلان که پس از تساهل ظهیرالدوله نسبت به جریانات مشروطه خواه در این استان به قدرت دست یافت تا مشروطیت را در گیلان سرکوب کند مقدمه لشکرکشی مجاهدین به فرماندهی سپهدار تنکابنی را فراهم آورد. این فرآیند قیام، کودتا علیه سردار افخم، کسب قدرت و عزیمت به سمت پایتخت با هدف برکنار ساختن استبداد صغیر محمدعلی شاه محتاج مطالعه نقش آفرینی احزاب، کمیته ها و انجمن های فعال در گیلان می باشد. همزمان با تهران به عنوان مرکز و پدیدآورنده جنبش مشروطه در گیلان احزاب، انجمن ها و محافل فکری سیاسی متعددی شکل گرفت. در این مقاله در یک دسته بندی از جهت پیش زمینه فرهنگی و فکری سه انجمن و حزب فعال در مشروطه گیلان مورد نظر است: انجمن عباسی و اجتماعیون عامیون. هر سه انجمن و حزب مورد مطالعه از جهت خاستگاه فکری، فرهنگی، نیروهای اجتماعی و حوزه اثرگذاری شباهت ها، هم افزایی و تفاوت هایی دارند اما آنچه در پژوهش حاضر مدنظر است تحلیل فرآیند کنشگری آنان براساس نظریه بسیج منابع چارلز تیلی می باشد.

در فرآیند کنش جمعی و نقش آفرینی جامعه براساس مدل بسیج منابع، مردم و جمعیت سیاسی براساس عناصری نظیر هویت مشترک و منافع جمعی دست به اقدام می زنند و در وضعیت انقلابی از خود واکنش نشان می دهد. این فرآیند نیازمند بستری به نام سازمان دهی است. اهمیت سازمان از آنجاست که بخش عمده کنش (نه همه آن) توسط گروه ها از آن طریق صورت می گیرد و از همین رو بررسی سازمان به شیوه نظری و کلی بسیار مفید است. نشان دادن این سازمان دهی در بستر احزاب و انجمن های مشروطه خواه می تواند الگو رفتاری و کنشگری آنان را تبیین نماید.

در دیدگاه تیلی سازمان دهی بسیج منابع در خلا صورت نمی پذیرد. منافع مشترک و هویت جمعی در فرآیند بسیج کنندگی نیازمند بستر وقوع می باشند. مهمترین بستر سازمان دهی بسیج منابع در مشروطه گیلان احزاب، انجمن ها و کمیته های فعال می باشند. این کمیته ها و احزاب در مسیر ایجاد بسیج از سایر پتانسیل ها بهره بردند که مهمترین آنها ارتباط با قیام دهقانی در گیلان است. جنبه دیگر که این احزاب و کمیته ها از آن اثر پذیرفتند ارتباط

فکری و مبارزاتی با روسیه است. به عبارت دیگر در مقاله حاضر ضمن پرداختن به فرایند بسیج منابع توسط انجمن‌ها و احزاب روی سه تشکل کمیته ستار، انجمن عباسی و حزب اجتماعیون عامیون گیلان متمرکز خواهیم بود. نقش این سه تشکل فعال در سقوط استبداد در رشت و سپس حرکت به سمت تهران با هدف احیای مشروطیت در ایران بسیار اهمیت دارد. بنابراین بررسی و واکاوی الگوی کنشگری احزاب و انجمن‌های مشروطه خواه براساس مدل بسیج منابع که دو عنصر اساسی منافع و سازمان دهی را ملاک قرار می دهد می تواند این حرکت را از زاویه جامعه شناختی مورد تحلیل قرار دهد. ارائه مدل رفتاری احزاب و تشکل‌ها و پرهیز از روایتگری صرف تاریخی برای توصیف وقایع مهمترین تلاش پژوهش حاضر است.

۲. پیشینه تحقیق

در ارتباط با مشروطه گیلان پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است. عمده این آثار با رویکرد توصیفی و دور از نظریه محور بودن تلاش داشته اند به بیان وقایع و رخدادها بپردازند. در میان این آثار یک عنوان توجه به احزاب و تشکل‌ها در گیلان عصر مشروطه است. در واقع ذیل یک موضوع کلان دیگر به احزاب، انجمن‌ها و کمیته‌ها اشاره نموده اند. مقاله جنبش دهقانی گیلان در عصر مشروطه، پژوهش نامه تاریخ‌های محلی ایران (۱۳۹۵). با بررسی روزنامه‌های عصر مشروطه به روش توصیفی - تحلیلی اقدامات دهقانان گیلانی در برابر اربابان و صاحبان قدرت را مورد توجه قرار داده است. کنش‌هایی نظیر نپرداختن بهره مالکانه، زد و خورد و درگیری با مالکان، اخراج آنان از روستاها و تشکیل انجمن روستایی از مهم‌ترین اقدامات جنبش دهقانی گیلان برشمرده شده است. در این مقاله نویسندگان اعظم اسماعیل زاده و علی رضا علی صوفی به انجمن‌ها و احزاب سیاسی مشروطه خواه گیلان به عنوان عناصر یاری دهنده جنبش دهقانی اشاره می‌کند. یاسر کریمی هم (۱۳۹۶) در مقاله نقش کارگران مهاجر گیلانی در انتقال افکار سوسیالیست دمکراسی قفقاز در انقلاب مشروطه به مسیریابی ورود افکار انقلابی از همسایه شمالی پرداخته است.

گیلان که مرکز عمده‌ی تجارت ایران با قفقاز و روسیه بود و اقلام آن از قفقاز به اروپا صادر می‌شد، بیشترین تاثیر را از ورود افکار جدید پذیرا گردید. این اثرپذیری در قالب فعالیت اجتماعیون عامیون و حتی ارتباط کریم خان رشتی در شکل‌گیری و جهت‌دهی به کمیته ستار اهمیت دارد. هومن یوسف‌دهی در کتاب انجمن‌های گیلان در عصر مشروطه

(۱۳۸۷) در قالب گزارش توصیفی صرفاً تعداد احزاب، انجمن‌ها و تشکل‌ها را بر شمرده است. تلاش این اثر فشرده فقط معرفی شناسنامه‌ای انجمن‌هاست. در عموم تحقیق‌ها و آثار صورت گرفته در زمینه نقش‌آفرینی انجمن‌ها و احزاب مشروطه خواه گیلان این موضوع بعنوان یک مساله فرعی تحت تاثیر سایر موضوعات اصلی معرفی و به آن پرداخته شده است، با این تاکید و تمرکز که بیشتر بر روی اشخاص و نخبگان سیاسی تمرکز بوده وجود داشته است. از طرف دیگر سایر آثار نیز متکی بر بیان وقایع به روایتگری تاریخی و شرح رخدادها پرداخته‌اند. تاکنون پژوهشی نظریه محور که تلاش داشته باشد با مبنا قرار دادن یک چارچوب مفهومی مدل‌کنشگری فعالانه احزاب و انجمن‌های مشروطه خواه را ترسیم نماید صورت نگرفته است. تلاش و تمایز مقاله حاضر نیز بر این است تا با رویکرد نظریه محور الگوی کنشگری را تبیین نماید.

۳. مفاهیم اصلی

۱-۳ بسیج منابع

بسیج فرایندی است که به واسطه‌ی آن، گروهی از حالت مجموعه‌ی منفعلی از افراد به مشارکت‌کننده‌ی فعال در زندگی عمومی تبدیل می‌شوند. بسیج منابع نیز به معنی تلاش برای دستیابی و بهره‌گیری از تمام منابعی است که می‌تواند در جهت پیشبرد عمل جمعی و تحقق اهداف گروه، موثر باشد. منابع می‌تواند شامل منابع اجبار و تهدید، امکانات مالی، شبکه‌های ارتباطی و اطلاع‌رسانی و حتی منابع هنجاری و ارزشی مانند تعهد، وفاداری و احساس تکلیف باشد. کنش جمعی به اقدام مشترک اعضای یک گروه مدعی، برای رسیدن به هدف یا اهدافی مشترک، گفته می‌شود و تابعی است از منافع مشترک، میزان انسجام و سازمان‌یافتگی گروه، احساس هویت مشترک و تعهد و وفاداری اعضای گروه نسبت به یکدیگر، و البته میزان منابع در اختیار گروه (تیلی، ۱۳۸۵: ۸۴، ۱۰۵ و ۱۲۸).

۲-۳ منافع مشترک

در هر حرکت اجتماعی عمومی که وجه سراسری پیدا می‌کند منافع جمعی وجود دارد و برآوردن منافع فردی نقش مهمی در تامین منافع جمعی ایفا می‌کند. باید با نکته‌سنجی هر چه تمام‌تر، تعارض میان منافع فردی و جمعی را متغیری بدانیم که بر احتمال و ماهیت کنش جمعی تاثیر می‌گذارد. باید میزان این تعارض را به شکل دقیق‌تر به عنوان افزایش هزینه‌ی کنش متفکران نظریه‌ی بسیج منابع فرایند وقوع جنبش انقلابی را در یک جامعه و

تحلیل جامعه‌شناختی از منافع و کنش‌گری انجمن‌ها و احزاب سیاسی در ... (علیرضا زادبر و دیگران) ۱۷۳

مجموعه علل و عواملی را که سبب می‌شود یک حرکت جمعی اولیه در درون یک جمعیت روز به روز توسعه یافته تر شود و در نهایت به یک بسیج فراگیر علیه رژیم تا سرنگونی آن منجر شود ارزیابی و بررسی می‌کنند (فرهادی، ۱۳۹۲: ۵۲). به بیان دیگر منظور تیلی از منافع، آن دسته از امتیازات و خروجی‌هایی است که حاصل کنش و عملکرد یک جمعیت می‌باشد که نتیجه آن به جمعیت برمی‌گردد.

۴. روش تحقیق

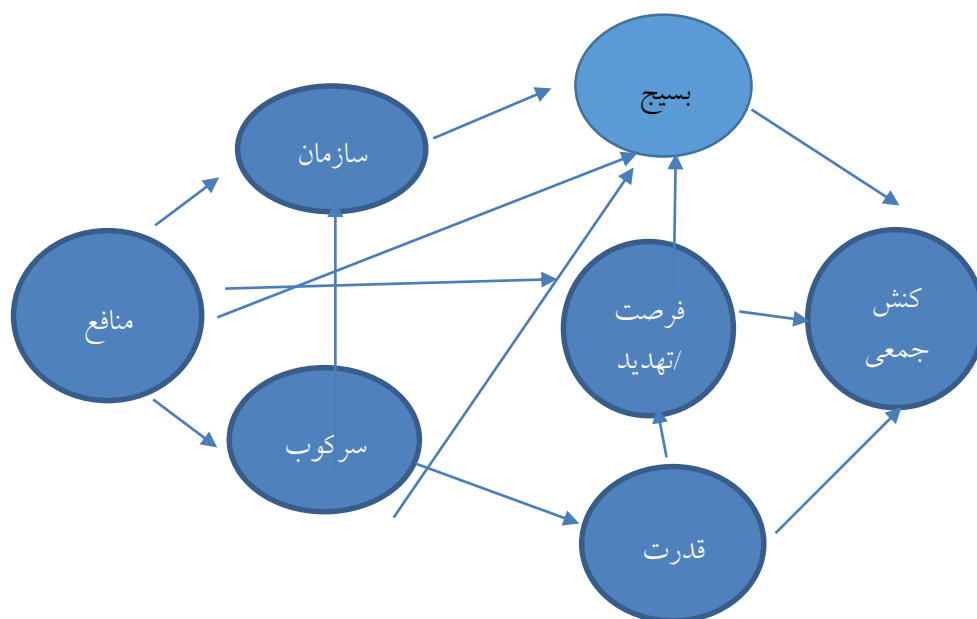
بطور کلی دانش ما از گذشته بر اساس مدارک و اسناد است. در این تحقیق تاریخی نیز به دنبال دلالت‌کننده‌های غیرقابل مشاهده و غیر عینی هستیم. بر همین اساس مبنا این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی می‌باشد و در جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و اسنادی (اسناد و آرشیو مطبوعات، فصلنامه‌ها، خاطرات شخصی) بهره‌برده شده است. ابزار مورد استفاده نیز فیش برداری می‌باشد.

۵. مبانی و چهارچوب نظری

مدل نظری پژوهش حاضر نظریه بسیج منابع چارلز تیلی است. هسته مرکزی نظرات و پیش فرض تیلی ارتباط بین بسیج و کنش جمعی در فهم چگونگی شکل‌گیری انقلاب‌هاست. به این معنا که هرچه میزان بسیج در یک جمعیت یا سازمان مدعی بیشتر باشد، میزان کنش جمعی آن بیشتر می‌شود. علاوه بر این، قدرت آن افزایش می‌یابد همچنین منابعی که هزینه می‌کند، کمتر شده و به نتیجه بیشتری دست می‌یابد. به عقیده وی، «عنا صر عمده تعیین‌کننده بسیج یک گروه، سازمان آن، منافع آن در تعاملات ممکن با دیگر مدعیان، فرصت / تهدید کنونی آن تعاملات و در معرض سرکوب بودن گروه هستند» (تیلی، ۱۳۸۵: ۸۵) تیلی قبل از هر چیز به این مسئله توجه دارد که چگونه منابع به وسیله جنبش‌های اجتماعی برای حل نارضایتی‌های جمعی بسیج می‌گردند.

بسیج منابع در ابتدا برای تحلیل انتخاب‌های فردی و سازمان جنبش‌های اجتماعی مطرح شد اما اکنون کسانی که روی این نظریه کار می‌کنند به گونه‌ای فزاینده به ایجاد هویت‌های جمعی و به چالش کشیدن رویدادها و مسائل اجتماعی توجه نشان می‌دهند (نش، ۱۳۹۳: ۱۳۰). انقلاب نوعی اعمال خشونت سیاسی سازمان یافته، آگاهانه و هدفمند از سوی گروه‌های محروم و معترض علیه نظام است (Taylor, 1984: 130). جهت فهم حرکت توده با در نظر گرفتن یک مدل به مطالعه آن پرداخت. مدل بسیج منابع تیلی از

چهار متغیر اصلی جهت ارزیابی و تشخیص روش بسیج نیروها در جنبش‌ها و انقلاب‌ها تشکیل می‌گردد. آن چهار متغیر عبارت‌اند از منافع، سازمان، بسیج، کنش جمعی و فرصت. در الگوی تیلی از منابع بسیج عنصر فرصت از سه بخش متشکل شده است: سرکوب، قدرت، تهدید



الگوی شماره سه: مدل بسیج منابع (تیلی، ۱۳۸۵: ۸۹).

آنچه در مقاله حاضر برای تشخیص و رصد نظری مدل رفتاری احزاب و انجمن‌ها اهمیت دارد توجه به عنصر منافع و سازمان‌دهی است. در مدل تیلی، منافع بعنوان متغیر مستقل عمل می‌کند که بصورت مستقیم بر سایر متغیرها اثر گذار است. او دو مبنای تعیین منافع بیان می‌دارد:

۱. منافع را از اظهارات و کنش‌های جمعیت استنتاج کرد.
 ۲. آن را از تحلیل کلی روابط میان منافع و موقعیت اجتماعی استنباط کرد (تیلی، ۱۳۸۵: ۹۵).
- اهمیت سازمان از آنجاست که بخش عمده کنش (نه همه آن) توسط گروه‌ها از آن طریق صورت می‌گیرد و از همین‌رو بررسی سازمان به شیوه نظری و کلی بسیار مفید است (125)

Olson, 2002). به بیان دیگر هر چه سازماندهی مخالفین در یک انقلاب بیشتر باشد، بسیج منابع بیشتری در آن حرکت صورت می‌گیرد. سازماندهی مخالفین از طریق بسیج منابع موجب افزایش قدرت انقلابیون می‌شود و از طرفی دیگر از طریق سازمان‌پاشی و بسیج زدایی، فروگاهی قدرت رژیم را سبب می‌گردد. در نهایت، این سازمان‌دهی و بسیج‌کنندگی منابع زمینه‌ساز انتقال قدرت و وقوع انقلاب می‌شود. اشتراک هویت و قدرت ساختارهای متحد‌کننده میزان سازمان‌یافتگی یک گروه را تعیین می‌کند. سازمان‌باعت ارتقاء بسیج می‌شود. یعنی هر چه گروه سازمان‌یافته‌تر باشد، بسیج منابع آن گروه و به تبع آن، امکان دست‌یابی به قدرت افزایش می‌یابد (همان، ۹۷).

۶. مختصات و فرآیند بسیج منابع احزاب و انجمن‌های مشروطه‌خواه گیلان

۶-۱ تاریخچه و مواضع انجمن عباسی

یک جنبش اجتماعی ای شبکه‌ای از تعاملات غیررسمی بین افراد گروه‌ها و یا سازمان‌هاست که بر مبنای یک هویت جمعی مشترک در برخوردی سیاسی یا فرهنگی درگیرند. (Diani, 1992:13). منطقه‌ی گیلان در دوره‌ی مشروطیت درصد گذار از مرحله‌ی حرکت گروهی سنتی و اشتراکی به سوی حرکت‌های گروهی و انجمنی بود از این رو شاهد آن هستیم که هم حمایت‌کنندگان وضع موجود و هم معترضین شرایط موجود درصدد تشکیل انجمن برای رسیدن به اهداف خود بودند. این انجمن‌ها نقش مؤثری در تحولات سیاسی عصر مشروطه و حتی پس از آن ایفا کردند، لیکن اهداف و فعالیت آنها متفاوت بود. انجمن ابوالفضل را گروهی کاسب و پیشه‌ور، چند ماه پس از تشکیل شعبه اجتماع‌یون رشت، تأسیس کردند. آن‌ها هنگامی به این کار پرداختند که احساس کردند قدرت سیاسی در منطقه به سود حکومتگران پیشین چرخیده است. مجلس شورای ملی گیلان را ایالت ندانسته، بلکه ولایت شناخته بود. از آن پس، به موجب قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی، انجمن‌های شهری و روستایی گیلان موقعیت قانونی خود را از دست دادند و فعالیت‌شان پایان گرفت. انجمن ولایتی گیلان نیز به دست کسانی افتاد که مقرراتی به زبان رعایای سرکش منطقه و به سود ملاکان وضع کردند. در این موقع کسانی که مخالف نخبگان منطقه بودند و از دهقانان پشتیبانی می‌کردند، گرد هم آمدند و انجمن ابوالفضل را برپا ساختند. نارضایتی اقتصادی و اجتماعی جامعه گیلان، تأثیر مستقیمی بر شکل‌گیری انجمن‌های سیاسی شهری گیلان داشت. انجمن ابوالفضل یا عباسی در واقع شاخه‌ای از فرقه مجاهدین رشت بود که تعداد آنان را پانصد تن ذکر کردند. (آدمیت: ۱۳۵۵: ۴۷۱) اقدامات انجمن

عباسی در چنین فضایی تا بدان حد رشد کرده بود که حتی مجلس تهران نیز دهقانان را به خاطر عدم پرداخت سهم مالکانه محکوم نمود و هشدار داد در صورت مقروض بودن، دهقانان پيله ی ابریشم خود را می باید تحویل مالکان دهند؛ و انجمن رشت تحکم می نمود که: رعیت را ویدارید «مشغول رعیتی خود باشند، مال الاجاره شان را به ارباب ملک بدهند که اگر تقاعد ورزند، حکومت اقدامات تندی خواهد کرد.» (آفاری، ۱۳۸۵: ۲۱۴) هم راه به جایی نبرد. دهقان دلگرم و امیدوار شده بود و در نتیجه (فاخته، ۱۳۷۱: ۲۴۲) در فومن «صادق الرعایا» مالک ثروتمند منطقه را در املاک خود به قتل رساندند. (بشیری، ۱۳۶۷: ۱۲۲) در روستاهای گیلان مأمورین حکومتی و نوکرهای مالکین را به چوب می بستند و آن ها مجبور به فرار می شدند. ملاک فومن «حاجی سیدرضی» به سبب تهدید روستاییان عازم تهران شد. (رایینو، ۱۳۶۸: ۳) اعتصاب دهقانان در رشت به اخراج زمین داران و مباشران از روستاها انجامید و عده ای از مالکان به خاطر اخذ سهم مالکانه کتک خوردند و از روستاها اخراج شدند. در تالش مردم اموال سرقت شده از امین السلطنه را فروختند. در اسالم و کرگانرود دهقانان خان تالش، برنج او را تصاحب کرده و فروختند. در مجموع روحیه ی تالش ها و برخوردار آنان نسبت به خان های موروثی خود شان خصمانه گزارش شده است. (بشیری، ۱۳۶۷: ۱۳۴) حدود پانصد دهقان در مسجد خواهر امام رشت علیه زمین داران بست نشین شدند و اعلام کردند که دیگر مال الاجاره نمی دهیم. در لنگرود و لاهیجان، هیجان عمومی بالا گرفت و رعایا را از پرداخت مال الاجاره منع می کردند... چند نفر که از سوی انجمن رشت به تولم فرستاده شده بودند که به دهقانان توصیه کنند که مال الاجاره ی خود را بپردازند؛ در جمعه بازار رعایا جلوشان را گرفتند و به شدت کتکشان زدند... اهالی کرگانرود خانه ی ارفع السلطنه را به غارت کشیدند و آتش زدند و... (رایینو، همان: ۱۱-۱۹)

آفاری درباره نقش انجمن عباسی می گوید: انجمن عباسی به صورت یک تشکیلات مذهبی - سنتی عمل می کرد و در مواقعی در خیابان ها مراسم عزاداری راه می انداخت. اما طبق گزارش های حاکم گیلان و عده ای دیگر، انجمن عباسی سازمانی کاملاً سیاسی و انقلابی بود که الغای مالیاتها و عوارض حکومتی را تقاضا می کرد و انجمن رشت را به تقلب در انتخابات مهم می نمود، دهقانان را بر می انگیزخت که سهم مالکانه را بپردازند و در روز روشن انبارهای غله تاجران خارجی و بومی را در انزلی مصادره می کرد. عده ای از اعضای انجمن هم با اعطای هدایا به صورت مواد غذایی و بیگاری دهقانان در سراسر سال، مخالفت نمودند. چند عضو انجمن از تعهدات ناعادلانه سخن راندند و گفتند که چرا مالک

باید بتواند ملک خود را با قیمت های گران به زارعان اجاره کار بدهد چرا دهقانان مجبورند با تقدیم برنج مرغوب خود دیون خود را به مالک بپردازند.

حسام الاسلام (نماینده ی گیلان در مجلس در همان روزگار سرگردانی و سرگرانی مردم رو ستها؛ انجمن عباسی (از انجمن های فعال رشت) را محرک سرکشی های دهقانان گیلانی معرفی می کند و اعلام می دارد که : «مجلس ملی نخواهد گذاشت، رعایا -حقوق مالکین را بخورند!» (رابینو، ۱۳۶۸ : ۵۵) حسام الاسلام یعنی یکی از نمایندگان مجلس از گیلان که میانه ای چندانی با مشروطه نداشت و آن زمان از تهران به گیلان آمده و در یکی از مساجد در رشت به منبر رفته بود در نطقی علیه انجمن عباسی (انجمن ابوالفضل) گفت : انجمن عباسی باعث تمام فتنه ی گیلان شده است. یک نفر از مستمعین که در آنجا حاضر بود بلند شد گفت: نمی گذاریم مالکین ظلم به رعایت کنند. حسام الاسلام جواب داد که مجلس ملی نخواهد گذاشت رعایا مال مالکین را بخورند (همان : ۳۳). به گزارش رابینو، انجمن ابوالفضل در پیرامون شهر چهارده شعبه به راه انداخت و در حدود پانصد عضو پیدا کرد. این انجمن بر جنبش رعایای گیلان اثر گذاشت و به صورت مدافع حقوق دهقانان در برابر زمین داران بزرگ درآمد. حکومتگران و مالکان نیز تمامی آشوب منطقه را به گردن رهبران همین انجمن انداختند. در حقیقت ، ضعف اجتماعیون رشت و فرصت طلبی برخی از رهبران آن موجب شد که رهبری مبارزه سیاسی و اجتماعی به دست انجمن ابوالفضل بیفتد(یزدانی، ۱۳۹۲:۱۵۵).

در اواخر سپتامبر (دهه ی اول مهرماه) ، انجمن عباسی که رهبری آن را گروهی از اعضای انجمن قدیمی رشت نظیر رحیم آقا شیشه بر و سیدجلال شهر آشوب به عهده داشتند، در تلگراف خانه ی رشت، بست نشسته و خواهان برکناری وزیر اکرم حاکم گیلان شدند. رابینو در یادداشت های اوایل اکتبر در (اوایل دهه ی دوم مهر ماه) خود نوشت: تلگراف از طهران رسید ، وزیر اکرم معزول ، وزیر اعظم منصوب...). به نظر می رسد که محمد علی شاه از اقدامات مسالمت آمیز وزیر اکرم منتخب (امین السلطان) با انجمن ها هم راضی نبود (همانگونه که وزیر مختار انگلیس هم او را بی کفایت می نامید ولی انجمن های رشت قادر به درک این موضوع نبودند) و منتظر فرصت بود تا کسی را به گیلان بفرستد که بتواند با انجمن های رشت و به طور کلی با مشروطه خواهان برخورد شدید تری داشته باشد. در واقع محمد علی شاه پس از مرگ امین السلطان ، حامی امیر اکرم ، موقع را غنیمت شمرده بود. این واقعیت در همان نخستین روز حکومت امیر اعظم جانشین امیر اکرم به گیلان مشخص شد. وقتی امیر اعظم وارد رشت شد : شاهدین یک چیزی به امیر اعظم خواندند ،

بعد جواب داد که من از شما تکلیف نمی‌خواهم، من کار خود را می‌دانم و امیدوارم به رضایت خدا و رسول اکرم حکومت کنم و اگر انجمن‌ها تجاوز بکنند آنها را در تحت قانون خواهم آورد (رایینو، ۱۳۶۸ : ۳۲) اولین اقدام این بود که سید جلال توسط امیر اعظم به دارالحکومه احضار شد ولی او ابتدا به این احضار وقعی نگذاشت، اما چند روز بعد، با ۵۰۰ نفر اعضای انجمن عباسی به دارالحکومه آمد. حاکم بدو گفت می‌دانم که در سال گذشته باعث تمام شلوغی گیلان شدی. اگر باز هم از تو شکایت کنند، تو را چوب خواهم زد. اما اگر می‌خواهی کمک برای امنیت کنی ماموریت به تو خواهم داد و همچنین شما را جزو نوکرهای حکومتی محسوب خواهم داشت... سید [جلال] شهر آشوب که چند روز قبل چوب خورده بود پیغام به امیر اعظم داد من تو را میکشم. امیر اعظم جواب داد که برای تو دست باقی نخواهم گذاشت که تو مرا بکشی (همان : ۳۲ - ۳۴) در یادداشت‌های آبان ماه رایینو آمده است که اعضای برجسته‌ی انجمن عباسی دستگیر و زندانی شدند: به حکم ایالت [امیر اعظم] رحیم شیشه‌بر، سیدجلال شهرآشوب و محمد اروسی دوز، فرشباشی انجمن عباسی و میرزا ابوالقاسم افصح المتکلمین [مدیر روزنامه‌ی خیرالکلام] را که در باب قونسولخانه روس در جدیدیه‌ی بعض چیزها نوشته بود چوب زدند و حبس کردند (همان : ۳۴)

مهم‌ترین اقدام انجمن هم زمان با اعتراض، تحصن و تعطیلی بازار رشت از روز چهارشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۲۸۶ هـ ش (۱۷ ربیع‌الاول ۱۳۲۵ هـ ق) در اعتراض به نرسیدن نظام‌نامه‌ی انتخاباتی، تاخیر در تصویب قانون اساسی و انتصاب ظفر السلطنه به حکمرانی گیلان بود. در ۲۲ اردیبهشت ۱۲۸۶ هـ ش خبر تصویب قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی به رشت رسید. بازار باز شدند و رعایا و سوارانی که از کسما و فومن و اسالم و دیگر نقاط به رشت آمده بودند، به تدریج به خانه‌های خود بازگشتند.

با اختلافات بوجود آمده در اجتماعيون، انجمن عباسی ابتکار عمل را بدست گرفت. ترکیب ناهمگون بر کارکرد اجتماعيون رشت اثر می‌نهاد. درگیری بر سر رهبری گروه نیز از توان آن‌ها می‌کاست. مبارزه درون‌شعبه بین دو گروه جریان داشت. یک گروه از معاون‌الرعیای رشتی پشتیبانی می‌کرد، دیگری معزالسلطان. اختلاف درونی اجازه نداد که شعبه رشت انسجام بگیرد و آن را در عمل به دو دسته تقسیم کرد. هر چند اجتماعيون چند شعبه پیرامون شهر دایر کردند، اما نابسامانی‌هایی که برشمرديم، نگذاشتند که اجتماعيون رشت جنبش سیاسی منطقه را به نحوی مؤثر هدایت کنند. در نتیجه ابتکار عمل به دست گروه

تحلیل جامعه‌شناختی از منافع و کنش‌گری انجمن‌ها و احزاب سیاسی در ... (علیرضا زادبر و دیگران) ۱۷۹

مبارز دیگری افتاد که «انجمن ابوالفضل» (یا عباسی) را سازمان داده بود (یزدانی، ۱۳۹۲:۱۵۴).

۶-۲ اجتماعيون عاميون

دو حزب و کمیته دیگر که در کنار انجمن عباسی در مشروطه گیلان با مدل بسیج منابع در قالب شورش، اعتراض و در نهایت قتل و کودتا علیه سردار افخم مقدمات لشکرکشی به تهران و احیا مشروطیت را فراهم نمودند، حزب اجتماعيون عاميون و کمیته ستار است. هر دو تشکل از تحولات فکری و ابزاری نظیر انتقال سلاح از قفقاز به ایران بهره برده، اولی بیشتر متأثر از مباحث فکری و دومی بیشتر متأثر از روش مبارزاتی همسایه شمالی یعنی روسیه بوده اند. بررسی مدل فرآیند سیاسی مدنظر تیلی بدون درک اثرپذیری مثبت و منفی از روسیه ممکن نخواهد بود. وجه مثبت اثرپذیری از روسیه بعنوان یک پایگاه فکری و مبارزاتی که عموم مهاجران گیلانی مشغول به کار در قفقاز را تحت شعاع قرار داد در اینجا مدنظر است. این اثرگذاری صرفاً در سطح مردم و به شکل اندیشه برای توسعه فرهنگ سیاسی نبود بلکه نخبگان سیاسی و مبارز کمیته ستار مشخصاً میرزا کریم خان رشتی در رفت و آمد و مرادادت خود از پتانسیل ابزاری و سخت افزاری بهره بردند به گونه ای که نقشه سقوط سردارافخم در قفقاز کشیده شد. با این مقدمه لازم است پیش از پرداختن به حزب اجتماعيون عاميون بسترهای اثرگذاری و اثرپذیری روسیه را مورد بررسی قرار دهیم.

۶-۲-۱ نقش و اثر فکری مبارزاتی روسیه انقلابی بر تشکل‌های مشروطه‌خواه گیلان

در این بخش پیش از پرداختن به فرآیند بسیج منابع در قالب انجمن‌ها و احزاب فعال در گیلان که ضمن برپایی کودتا و شورش علیه حاکم منصوب محمدعلی شاه در رشت توانستند مقدمات حرکت و فتح تهران را فراهم نمایند می‌بایست به اثرپذیری حزب اجتماعيون عاميون از روسیه انقلابی پرداخت. این شورش‌ها در منطقه گیلان و آذربایجان که مستقیم تحت تاثیر جریان اندیشه ای رادیکال قفقاز روسیه بودند به طور چشمگیری برجسته تر بودند. همچنین آن‌ها از یک سابقه طولانی از مبارزات اجتماعی در میان صنعت گران و مغازه داران کوچک (پیشه وران) که اصناف خود را حمایت می‌کردند بهره می‌بردند و یک سنت اتحادی بین صنعتگران، فقیران شهری و دهقانان فقیر بود (Janet, 2009: 37).

قدرت رسمی روسیه از یک سو دشمن مشروطه ایرانی بود. روسیه ضمن تلاش برای بقای استبداد محمدعلی شاه از سوی دیگر بستر تولید و تربیت گروه‌های انقلابی و مبارز به حساب می‌آمد. بدون توجه به وجود جریان‌های فکری و سیاسی در روسیه و انتقال آن مفاهیم به درون کشور تحولات گیلان به درستی قابل درک نخواهد بود. گیلان مهم‌ترین راه ارتباطی ایران به اروپا بود. احداث جاده رشت - تهران، ایجاد بندر در انزلی و راه اندازی خطوط کشتی رانی توسط روسیه، گیلان را به دروازه اروپا مبدل کرد. تبدیل گیلان به دروازه اروپا، سبب ورود و خروج مسافران از طبقات مختلف اجتماعی شد. رونق تجارت و صنعت، اقتصاد نامناسب، نفوذ روس و فشار بر ارامنه قفقاز از جمله عواملی بودند که بسیاری از اهالی ایران به روسیه مهاجرت نمایند و در مقابل بسیاری از اهالی روسیه نیز به ایران مهاجرت کنند و چون این افراد اغلب از تجار، آزادی خواهان و روشنفکران بودند توانستند در بیداری مردم نقش ایفا کنند. حضور روس‌ها در گیلان و برخورد جسورانه آن‌ها با مردم گیلان، روحیه بیگانه ستیزی اهالی که از گرایش‌های مذهبی و ملی نشأت می‌گرفت را تقویت نمود.

در پیدایش افکار جدید و اندیشه‌های سیاسی، مهم‌ترین نقش را قفقاز و آزادی خواهان این منطقه به عهده داشتند. افکار سیاسی که در روسیه و غرب شکل می‌گرفت و بر افکار مردم قفقاز موثر بود، بر اندیشه‌های ضد استبدادی آزادی خواهان گیلانی نیز تاثیر گذاشت. «شکست کشور تزارها از ژاپون آسیایی و زان پس انقلاب ۱۹۰۵ روسیه در سراسر ایران به ویژه گیلان و آذربایجان تاثیر ژرفی داشته بود (کشاورز، ۱۳۴۷: ۵۴)

در آن دوره دو نشریه فارسی به نامهای «نوروز» و «حقایق» در باکو به طبع می‌رسید و روزنامه‌ی ارشاد آن شهر نیز ضمیمه‌ای فارسی داشته که به کوشش ادیب الممالک فراهانی انتشار می‌یافت. به علاوه در شهرهای قفقاز جرایدی هم چون روزنامه‌ی «ملانصرالدین» به زبان ترکی منتشر می‌شد که خوانندگان بسیاری داشت. نکته جالب توجه این که گروه‌های متأثر آن سوی مرز در دورانی که مردم ایران هیچگونه آشنایی با هنر تئاتر و اهمیت و نقش آن در ترقی فکری جامعه نداشتند به رشت و انزلی می‌آمدند و برای مردم برنامه‌های جالب اجرا می‌کردند (سردار محی ۵۹) گروه‌های تئاتر قفقاز و باکو به رشت و انزلی می‌آمدند و برای مردم برنامه‌های جالب اجرا می‌کردند و از طریق این نوع نمایشات بیش از هر چیز افکار مردم گیلان به سوی دنیای متمدن آن روز گشوده می‌شد. برای گسترش افکار نوگرایانه، نخستین نمایش مدرن در سال ۱۳۰۳ ه. ق / ۱۸۸۵ م در رشت به صحنه

آمد و به دنبال آن مدرسه و سالن تئاتر کوچکی با همکاری روشنفکران ارمنی، در محوطه کلیسای آرامنه رشت به تاریخ ۱۳۰۵ ه. ق / ۱۸۸۷ م احداث گردید.

آغاز ارتباط ایران و روسیه از طریق گیلان، تجاری بود و به قرون اولیه اسلامی بر می‌گردد. در دوره صفویه، با شروع تحولات جدید در روسیه، زمامداران آن نفوذ در سرزمین‌های همسایه از جمله ایرات را برای توسعه لازم دانستند. ضعف حکام ایرانی از اواخر صفویه تا پایان قاجاریه، این امکان را به روسیه داد که نفوذ و حضور خود را در ایران به خصوص گیلان مسجل کند. روس‌ها با تهاجمات نظامی و برقراری مراودات سیاسی و اقتصادی بر منطقه مسلط شدند. این نفوذ و حضور مستمر، ارتباط بین گیلانیان با روسیه و حتی کشورهای اروپایی را گسترش داد و سبب بیداری افکار و اندیشه آنان شد و تحولاتی را رقم زد. «جاده انزلی - رشت - تهران و بندر بازسازی شده انزلی اهمیت مهمی به گیلان به ویژه محور انزلی - رشت به عنوان دروازه ورودی کشور در آغاز قرن بیستم بخشید.» (عظیمی دویبخشری، ۱۳۸۱: ۹۱) ایران برای اولین بار هنگامی طعم قدرت روسیه را چشید که پتر کبیر به فکر گسترش اقتدار روسیه در سمت دریای سیاه و قفقاز افتاد. روسیه در آغاز ناگزیر بود در اشتیهای خود برای تصرف بخش‌هایی از خاک ایران، رقیب خود عثمانی را نیز سهیم کند. هر دو کشور خواستار آن بودند که غنائم جنگی خود در ایران را تقسیم کنند. اما در اواخر قرن هجدهم، قدرت ترکیه برای رقابت با روسیه در نفوذ به مرزهای ایران کاهش یافت. در این هنگام بریتانیا به رقیب عمده‌ی روسیه برای توسعه‌ی امپراطوری آسیائی تبدیل می‌شد. از این زمان به بعد، گسترش نفوذ روسیه در ایران، به صورت نموداری صعودی در آمد، در سال ۱۹۰۰، روسیه قدرت خارجی مسلط در ایران بود. نفوذ روسیه و مداخله‌ی همیشگی این کشور در امور داخلی ایران در دوران‌های تزاری، در روان ایرانیان به روشنی حک شده است. در دوران معاصر فقط بریتانیای کبیر است که همراه با روسیه بزرگترین کنترل استعماری را بر ایران اعمال کرده است. (فولر، ۱۳۹۴: ۱۶۰) نفوذ افکار سیاسی - اجتماعی قفقاز در گیلان سبب شد که فعالیت‌های مشترکی بین آن‌ها صورت گیرد. کتاب آبی در گزارش ۲۴ آوریل ۱۹۰۷ خود آورده است: «چون در باکو ملاحان خط انزلی، باکو دست از کار کشیده بودند تا مدتی حرکت کشتی به تعویق افتاد و عاقبت قایقچیان انزلی نیز محض همراهی با ملاحین باکو تعطیل نمودند.» (بشیری، ۱۳۶۷: ۳۷)

تحركات در مناطق شمالی ایران از دوره وزیر مختاری هاردینگ و جریان اخذ وام برای مسافرت سال ۱۹۰۳ مظفرالدین شاه شدت یافت. در آن زمان برای نخستین بار هاردینگ

پیشنهاد کرد شیلات خزر وثیقه وام مورد نیاز شاه باشد. شمال ایران به طور سنتی حوزه نفوذ روسیه محسوب می شد و اگر پیشنهاد هاردینگ تحقق پیدا می کرد، انگلیس جاپایی در منطقه نفوذ روسیه به دست می آورد. در این زمان انگلیسی ها در خاندان های محستم و ملاک گیلان نفوذی بی سابقه پیدا کردند. هاردینگ از یکی از اشراف گیلان که دو نشان معتبر سنت مایکل و سنت جورج داشت سخن می گوید که یا در دوره ماموریت او و یا پیش تر از حکومت بریتانیا دریافت کرده بود. نشان ها خود بهترین حلال مشکلات دارنده آن بود. (عظیمی، ۱۳۹۶: ۵۳۵)

همجواری و نزدیکی با محیط افکار سوسیال دموکراسی قفقاز و روسیه، حضور تعداد زیادی از گیلانی ها به عنوان بازرگان و کسبه و عمدتاً کارگر در شهرهای قفقاز و به ویژه باکو و نیز رفت و آمدهای انقلابیون روسی و قفقازی به گیلان به دلایل سیاسی و امنیتی همگی شرایطی فراهم آوردند تا افکار و اندیشه های انقلابی و سیاسی در سرزمین گیلان به تدریج گسترش یابد. محی ۵۸ کریم کشاورز می نویسد: در سال ۱۹۰۵ نزدیک هفت هزار کارگر و بازرگان و پیشه ور آذربایجانی و گیلانی در باکو اقامت داشتند و قریب یک پنجم کارگران نفت باکو ایرانی بودند. آمد و شد و مکاتبه اینان و دادوستد کالا چشم و گوش مردم را می گشود و ملت را بیدار می کرد. (کهنه سال، ۱۳۹۴: ۵۸) تعداد روس ها که به طور ثابت اینجا (انزلی) اقامت دارند کم است. در طول ماه های فوریه، مارس و آوریل که فصل صید ماهی های خاویاری است نیروی کمکی ۳۰۰ نفری از آستاراخان می رسند. (هولمز، ۱۳۹۰: ۱۲۳) دهقانان فقیر شده، پیشه وران و افراد سایر طبقات مردم ایران، سال به سال به طور دسته جمعی به بنادر خزری و شهرهای ناحیه ولگا روی می آورند. (عیسوی، ۱۳۸۸: ۷۸) مهاجرت توده های ضربه دیده ایرانی از ایران به قدری شدید و سریع بود که دولت ایران نمی توانسته از سرعت مهاجرت این افراد جلوگیری به عمل آورد. (عیسوی، ۱۳۸۸: ۷۸) تجارت ابریشم آن پروتق و همه ساله مقدار معتنا بهی صادرات دارد، در حال حاضر این تجارت پرمفعت دست روس ها است.

درک این نکته اهمیت دارد که درگیری روس - ایران از نوع منازعه های نمونه واری نیست که میان دو دولت بر سر قلمروهای مورد ادعای تاریخی هر دو طرف پیش می آید. امپراطوری روسیه در حرکت به سمت مناطقی که هیچ گاه اسلاو با روس نبوده اند، آشکارا در موضعی تهاجمی قرار داشت. این مناطق طی سال های متمادی با تحت کنترل ایران بودند، و یا زیر نفوذ فرهنگی نیرومند این کشور قرار داشتند - به رغم این واقعیت که طی هزار سال گذشته بیشتر بخش های آسیای مرکزی بتدریج ترک زبان شده بودند. ایرانی ها

تحلیل جامعه‌شناختی از منافع و کنش‌گری انجمن‌ها و احزاب سیاسی در ... (علیرضا زادبر و دیگران) ۱۸۳

هنوز این احساس تلخ را دارند که در مقابل روسیه سرزمین‌های پهناوری را از دست داده‌اند. روسیه می‌توانست با اتخاذ استراتژی اعمال نفوذ سیاسی غالب در شمال ایران، بجای انضمام خاک این کشور، از رویارویی نظامی با بریتانیا اجتناب ورزد. در واقع روسیه اغلب سال‌های قرن نوزدهم در چنین موضع مسلطی قرار داشت، و با بهره‌گیری از این موقعیت منابع نظامی خود را به جاهای دیگر اختصاص می‌داد. نیروهای روسی و عوامل آن‌ها به قدری بر گیلان و نواحی شمالی ایران مسلط شدند که مورد تمجید قرار گرفتند. «وقاحت روزنامه روسی نوویه ورمیا (عصر جدید) به آنجا رسید که نوشت ورود عساکر روس را به ایران باید فوزی عظیم برای یارانیان دانست چرا که دستگاه اداریشان را از هرج و مرج نجات بخشیده‌اند.» (فخرایی، ۱۳۷۱: ۲۳۱)

۶-۲-۲ تاریخچه و مواضع اجتماعیون عامیون شعبه رشت

فریدون آدمیت معتقد است: شعبه‌ی اجتماعیون عامیون رشت، بعد از تهران، از مهم‌ترین و فعال‌ترین شاخه‌های آن فرقه بود (آدمیت، ۱۳۵۵: ۲۰) از دیگر گروه‌های حمایت‌کننده‌ی دهقانان گیلان، فرقه‌ی اجتماعیون عامیون بود. هیچ‌یک از روزنامه‌نگاران عضو فرقه‌ی اجتماعیون مانند میرزا ابوذر وقایع‌نگار روزنامه‌ی حبل‌المتین به جنبش دهقانان گیلان توجه نشان نداد. او در مقالاتش از ظلم مالکان گیلان به دهقانان بسیار صحبت می‌کرد. (یزدانی، ۱۳۹۲: ۲۳۷، ۲۳۸) اجتماعیون عامیون گیلان دارای شاخه‌های مختلفی در گیلان بودند. از میان آنها؛ «فرقه مجاهدین رشت» که معزالسلطان از نمایندگان فعال و اصلی آن به شمار می‌رفت، از اهمیت زیادی برخوردار بود. در واقع «فرقه مجاهدین رشت» فعالترین انجمن سیاسی هوادار مشروطیت در گیلان بود که در شهرها و بخش‌های مختلف گیلان موفق به تاسیس شعبات سازمانی شده بودند. شعار این انجمن که در پای اعلامیه‌ها و اعلان‌های آن دیده می‌شود، «حُریت» و «مساوات» بود.

ترکیب اجتماعی آن‌ها را می‌توان این‌گونه دانست: سازمان اجتماعیون قفقاز از بازرگانان و دکان‌داران کوچک، کاسب‌ها، و به ندرت پیشه‌وران و کارگران تشکیل شده بود. در شعبه‌های درون کشور بازرگانان، واعظان، و لایه‌های میانی جامعه چیرگی داشتند. مجلس عمومی تبریز، وابسته به مرکز غیبی، اصناف و پیشه‌وران را به خود جلب کرد. اعضای مجلس عمومی تهران را به طور عمده روشنفکران برخاسته از لایه‌های متوسط و کارمندان دولت و واعظان می‌ساختند. به این ترتیب -- خلاف احزاب سوسیالیست اروپایی که پایه کارگری داشتند -- اجتماعیون قشربازان سوداگر، روشنفکران سستی و جدید، دکان

داران و پیشه‌وران را در بدنه خود گرد آوردند. به داوری بلووا، فرقه اجتماعيون عاميون در حکم جناح انقلابی خرده بورژوازی بود. به سخن دیگر، آن فرقه را نمی توان سازمانی کارگری دانست (یزدانی، ۱۳۹۲: ۱۶۰)

رایینو که در فاصله سال ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۲ میلادی در رشت به عنوان کنسول دولت انگلیس حضور داشته است درباره تشکیلات فرقه رشت چنین نوشته است: این فرقه در مجمع دارد: یکی علنی و دیگری مجمع سری با قانون سخت. اعضای فرقه قسم می خورند که جای مجلس (سری) را بروز ندهند. همچنان اگر یکی از آنها چیزی بروز داد او را از میان برمی دارند. فریدون آدمیت بر این باور است که احتمالاً شعبه های کمیته اجتماعيون و یقیناً سه شاخه آن در تهران، رشت و تبریز هیئت های ترور داشتند و مخالفان خود را از سر راه بر می داشته اند. نقشه های تروری که در دوران انقلاب مشروطیت سردار محبی در رشت و حیدر خان عمو اوغلی در تهران و آذربایجان اجرا کردند، از آن نوعند.

پیچیدگی و وضعیت اجتماعيون گیلان، دست کمی از تبریز نداشت. چگونگی تشکیل شعبه ی رشت چندان روشن نیست. بنا به گزارش رایینو یک شخصی نماینده ی مخصوص می گویند روز قبل، از بادکوبه آمد. این گزارش به دسامبر ۱۹۰۶ / ذی قعدة ۱۳۲۴ / دی ۱۲۸۵ مربوط می شد مقصود از (نماینده ی مخصوص)، فرستاده ی اجتماعيون قفقاز بود. این نماینده از قفقاز آمده بود تا شعبه ی سازمان خود را در گیلان راه بیاندازد. در این کار کامیاب هم شد (عظیمی، ۱۳۹۴: ۳۲۸) از این رو رایینو در یادداشت روز ۳۱ دسامبر [۱۰ دی] خود نوشت: فدایی ها، دو مجلس دارند. یکی (عمومی) و در انظار عموم مردم گفتگو می کنند و هر که می خواهد می تواند در آنجا حاضر شود و یکی (مخفی) که دیگر دارای قانون های سخت است. اگر کسی داخل انجمن مخفی می خواهد بشود، باید اولاً در کمیته ی آن خواهش اجازه ی [تقاضای عضویت] دخول کند و کمیته میان خودشان قرعه می اندازند، اگر قرعه به قبولی در آمد، او را با باطوم [باطومی شهری متعلق به گرجستان در کنار دریای سیاه] می فرستد که اجازه از آنها بگیرند که آن شخص داخل بشود. اهالی آن مجلس قسم می خورند که جای مجلس ایشان را بروز ندهند. هم چنان اگر یکی از آن ها چیزی بروز داد او را از میان بردارند. یک شخص نماینده ی مخصوص می گویند چند روز قبل، از بادکوبه آمد (رایینو، ۱۳۶۸: ۶۵)

اجتماعيون رشت دو روزنامه منتشر می کردند، یکی به نام مجاهد، دیگری نسیم شمال. اولی مدیر و صاحب امتیاز خود را چنین معرفی می کرد: «فرقه مقدس مجاهدین دارالمرز رشت». در سرلوحه روزنامه این آیه می آمد: «فضل الله مجاهدین علی القاعدین». سرمقاله

شماره یکم روزنامه ابتدا تفسیری اسلامی و شیعی از این آیه و مفهوم «مجاهد» می‌پرداخت. گفته می‌شد که این آیه مبارکه یکی از دلایل مُحکمه در ترجیح علی علیه السلام بر خلفای سه گانه است. زیرا امیرالمؤمنین در همه غزوات «مشغول مجاهده و مجادله با کفار بود»، حال آن که «حضرات» در زمره قاعدین [=نشستگان] بودند. اما نویسنده مقاله، مجاهد را در ایران پیش از اسلام نیز می‌یافت: «از دلیری و شجاعت همین مجاهدین بود که قیصره روم در جلو اسب کیاسره و سلاطین عجم پیاده می‌دویدند.» وی این مفهوم را به دوره اسلامی بسط داد: مجاهدین اسلام از چین تا دریای بالتیک را جولانگاه اسبان شان ساخته بودند. در زمان کنونی، مشروطه خواهان ایران به یاری مجاهدین پیروز شده بودند. سپس نویسنده به مفهوم مجاهد ابعادی جهانی بخشید: مجاهدین در روسیه دوما تشکیل دادند و دارالشورای فرانسه را استوار ساختند. سرانجام، «مجاهد» را چنین کسی دانست: «هواخواه وطن و حافظ پارلمنت.» به این ترتیب، روزنامه مجاهدان (یا اجتماعیون عامیون) را کسانی دانست که اندیشه‌ای جز میهن پرستی و هدفی بیش از حفظ مجلس شورای ملی ندارند و در راه این آرمان‌ها جان می‌بازند (یزدانی، ۱۳۹۲: ۱۵۵).

پیداست که شیوه‌ی سازمانی فرقه‌ی اجتماعیون عامیون شباهت زیادی به شیوه‌ی بلشویکی داشت، یعنی فرقه نیز سازمانی بود با بخش مخفی و بخش علنی که از ابتکارات لنین بود. اما خطاست که بگوییم فرقه‌ی اجتماعیون عامیون یک سازمان بلشویکی بود و یا حتا دیدگاه بلشویکی بر آن غلبه داشت. این فرقه از عناصر بسیار ناهمگونی تشکیل می‌شد و اعضای آن را گروه‌ها و طبقات اجتماعی مختلف و حتا طلبه‌ها و علمای مذهبی تشکیل می‌دادند. در واقع این فرقه، ایدئولوژی مشخصی نداشت. در مرام نامه‌ی آن‌ها، عناصری از سوسیالیسم، آنارشیزم، نهیلیسم، تروریسم و اعتقادات شیعی و به ویژه لیبرالیسم دیده می‌شد. البته به تناسب موقعیت‌های مختلف جغرافیایی و اجتماعی که این فرقه در آن استقرار می‌یافت و هم‌چنین شخصی رهبری کننده‌ی فرقه، مواضع گوناگونی در آن غلبه پیدا می‌کرد. شعبه رشت به کوشش اجتماعیون قفقاز پایه‌گذاری شد. چنان‌که اسپرینگ رایس نوشت: «دستور آن‌ها از هیئت آمده، که در قفقازند، [داده می‌شود.]» مرکز قفقاز تا مدتی نفوذ خود را بر شعبه رشت اعمال می‌کرد. حتی در مواردی، داوطلبان عضویت در این شعبه به سفارش مرکز باکو پذیرفته می‌شدند. نمونه‌اش معزالسلطان و میرزا کریم خان بودند که برای گذر از سد مخالفان محلی، به «کمیته مرکزی قفقاز» مراجعه کردند و از این راه وارد شعبه رشت شدند. اما خواهیم دید که این ارتباط‌ها چندان دوام نیاورد (همان: ۱۵۲).

رابطه گروه های انزلی و رشت نیز شکرآب بود. اجتماعيون انزلی مخالف پیوستن معزالسلطان و میرزا کریم خان به شعبه رشت بودند. سرانجام این دو برادر به میانجیگری مرکز قفقاز به عضویت شعبه درآمدند. شعبه انزلی مداخله اجتماعيون قفقاز را ناروا می دانست، به همین علت به مرکز باکو اطلاع داد که دیگر از آن پیروی نمی کند. اجتماعيون باکو دو نماینده به گیلان فرستادند تا به اختلاف های پیش آمده رسیدگی کنند. یکی از نمایندگان حسن محمودزاده زنجانی بود. شعبه انزلی همچنان نافرمانی نشان می داد. در آن میان، یفرم آتش بیار معرکه شد. او — که رهبر شعبه گیلان حزب داشناک بود — به اجتماعيون انزلی نزدیک شد. رابطه داشناک های گیلان با پسران حاج وکیل تیره بود. شاید اختلاف های شخصی میانه شان را به هم می زد. اما درگیری های سیاسی و فکری نیز موجب رقابت آن ها با یکدیگر می شد. داشناک های روسیه خود را نارودنیک می دانستند و با حزب سوسیالیست های انقلابی هم پیمان بودند و با حزب سوسیال دموکرات روسیه دشمنی داشتند. اینک در گیلان شعبه اجتماعيون عاميون برپا شده بود که خود را سوسیال دموکرات معرفی می کرد. داشناک ها برخوردارهای حزبی روسیه را به خاک ایران کشاندند و با اجتماعيون درافتادند. این موضوع را نمی دانیم که یفرم اجتماعيون انزلی را به مخالفت با شعبه رشت تحریک کرد، یا پس از آن که میان آن ها اختلاف افتاد، خواست از آب گل آلود ماهی بگیرد. در هر صورت، او تشکیلات حزبی جدیدی در رشت به وجود آورد. این تشکل خود را از اجتماعيون رشت کنار کشید و گویا شعبه انزلی را به طور کامل در خود جذب کرد. رابطه سازمان جدید با اجتماعيون قفقاز گسست. دو شعبه عمده گیلان تا محرم ۱۳۲۶ / اسفند ۱۲۸۶ به طور کامل از هم جدا شده بودند. در همین تاریخ، اجتماعيون انزلی در نامه ای که خطاب به ظهیرالدوله، حاکم تازه از راه رسیده گیلان — نوشتند، اعلام کردند: «شعبه رشت را از وقتی که مستبدین ستم پیشه دخالت نموده اند، عاری از مسلک فرقه می دانیم.» این نامه گسیختگی قطعی دو شعبه را نشان می داد. اما این نکته روشن نیست که فرقه ای کمابیش مخفی در روزهایی که بحران سیاسی کشور را فرا می گرفت، به چه دلیل مسائل داخلی سازمان خود را در برابر حاکم دولتی این چنین می گشود (همان: ۱۵۹)

در روزهایی که سردار افخم در تالش به سر می برد، بر پایه ی هم آهنگی انجام شده از پیش، شماری از مجاهدین قفقازی با شمار فراوانی جنگ افزار و مواد منفجره از لنکران به انزلی آمدند و در پی آن یک گروه ۳۲ تنه از سوی کمیته های تفلیس و باتومی حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه، راهی ایران شدند و پس از رسیدن به رشت در ۳ خانه

- خانه های معزالسلطان و معزالسلطنه و آوادیس زرگر - جای داده شدند. آنان با شندگاه های تازه ی خود آغاز به ساختن بمب و نارنجک کردند. در میان آن ۳۲ تا باید از آپولون گلاخوویچ جاپالیدزه ، برادیاک و برادیان ، فتودور توپچی لتونیایی ، الکساندر چیکپادزه ، بانوف بلغاری و تروفیم آندروویچ گونچاروف نام برد. (پرتو، ۱۳۹۳: ۱۱۰) به عنوان مثال چرچیل وزیر مختار انگلیس در ایران در ۲۸ اسفند به هنگام عبور از رشت ملاقاتی با سپهدار تنکابنی داشت و در یادداشتی به نقش قفقازی ها اشاره کرده و چنین نوشت: بر من مکشوف گردید که کلیه ی طرح نقشه ی این هیجان رشت [کودتا] در قفقاز ریخته شده و به توسط عده قفقازی داوطلب که تعداد آن ها بالغ بر ۵۰ نفر نبوده، به موقع اجرا گذارده شده... فعلا علی التخمین عده ی آن ها به ۳۵۰ نفر رسیده. در این ضمن یک عده ی معتابهی از ایرانیان تبعید شده به رشت آمده اند. سه نفر اخوان برادرزاده های سردار منصور که موسوم به معزالسلطان و عمیدالسلطان و کریم خان اند ، در عرض این مدت ، معیت خیلی نمایانی با قفقازیان نموده اند. (بشیری، ۱۳۶۷: ۱۲۲)

۷. منافع و سازمان در کنشگری انجمن عباسی و اجتماعیون عامیون شعبه رشت

در دیدگاه تیلی باورهای مشترک در یک گروه به خودی خود به تعریفی از منافع جمعی منجر می شود. در نتیجه، منافع یک گروه را می توان از تحلیل کلی ارتباطات میان منافع و موقعیت های اجتماعی استنباط کرد؛ و از منظر دوم منافع یک گروه از اظهارات و کنش های کنشگران آن گروه قابل استنتاج است. تیلی منافع را امتیازات و محرومیت های مشترکی که ممکن است بر اثر تعاملات مختلف با دیگر جمعیت ها بر جمعیت مورد بحث وارد آید تعریف می کند (تیلی، ۱۳۸۵: ۹۲).

دومین عنصر و متغیر در مدل بسیج منابع تیلی که در شناسایی الگوی رفتاری انجمن عباسی و اجتماعیون عامیون اهمیت دارد سازمان است. آنچه در مسیر سازمان دهی و بسیج منابع تیلی به آن اشاره دارد، هویت جمعی و یکپارچه است. به هر میزان هویت یکپارچه تر باشد ضمن همراهی با ساختارهای اعتراضی می تواند اتحاد و استحکام ایجاد کند در واقع هر چه اعضای گروه از هویتی یک پارچه تر برخوردار آن گروه سازمان یافته تر محسوب می شود. چارلز تیلی در تعریف سازمان به دو ویژگی مهم و اصلی می پردازد که میتوانند منجر به قوام سازمان دهی باشند:

۱. میزان هویت مشترک

۲. ساختار وحدت بخش (تیلی، ۱۳۸۵: ۸۳)

وی برای تو صیه این دو مفهوم، از بحث روابط دسته‌ای و روابط شبکه‌ای بهره می‌گیرد. روابط دسته‌ای، روابط میان افراد حول ویژگی‌های مشترک است، مانند هویت جنسی، نژادی، ملی، سنی، مذهبی و روابط شبکه‌ای به ارتباط پیوندهای مستقیم و غیر مستقیم به واسطه نوع خاص از علقه‌های بین اشخاص اشاره دارد. ترکیب این دو منجر به پیدایش گروه می‌شود. به اعتقاد تیلی هر قدر که یک گروه از هویت مشترک و شبکه‌های داخلی وسیع‌تری برخوردار باشند، سازمان یافته‌تر است. (همان: ۹۵) در الگوی تیلی مدعیان قدرت که در تقابل با صاحبان قدرت قرار دارند برای دستیابی به جایگاه سیاسی قدرت باید سازمان‌دهی را به عنوان یک اصل مهم و اساسی مد نظر قرار دهند. بنا بر مدل بسیج منابع انجمن عباسی و اجتماع‌عامیون شعبه رشت در این حالت در جایگاه مدعی قدرت قرار می‌گیرند. وضعیت انقلاب یعنی آن حالتی که مدعی قدرت بتواند قدرت مستقر را به چالش بکشد. کنشگری انجمن عباسی و اجتماع‌عامیون یک هدف تاکتیکی مشترک دارد. آن‌گایت تاکتیکی رهانیدن مشروطه گیلان از شر سرکوب شدید سردارافخم است. با حضور سردار افخم در رشت او از همان ابتدا با ایجاد رعب و وحشت، دستگیری سران مشروطه خواه و خفیف ساختن آنان به صورت موقت مشروطه را در گیلان مدیریت و به سمت خاموشی بکشاند. از این جهت باید توجه داشت بین انجمن عباسی و اجتماع‌عامیون اشتراک‌گفتمانی مرز رسیدن به هویت جمعی نبود بلکه در اینجا منافع مشترک که عنصر راهبر در مدل بسیج منابع است این دو تشکل را با وجود اختلافات در یک مسیر قرار داد. جهت بر شمردن مدل کنشگری این دو تشکل میتوان به شش ویژگی زیر اشاره نمود:

- نقش آفرینی هر دو تشکل در سازمان و جهت‌دهی شورش دهقانی گیلان (به ویژه مقاومت‌طلبش در برابر سردار افخم و سردار امجد که شکست آنان مقدمه احیا جریانات سرکوب شده در رشت برای کودتا علیه سردار بالاخان بود. هر دو تشکل در تحریک جنبش دهقانی و ایجاد سازمان‌دهی نقش داشتند).

- اشتراک منافع در تقابل با ملاکین و اربابان صاحب قدرت

- هویت جمعی دینی و بسیج‌کنندگی عنصر دین در فعالیت‌های انجمن عباسی

- اثرپذیری از اندیشه‌های انقلابی قفقاز و انتقال آن توسط مهاجران گیلانی

- اتحاد تاکتیکی و غیرگفتمانی در مبارزه با سردار افخم حاکم گیلان

- تاکید بر مطالبات صنفی به ویژه در حوزه حقوق کشاورزی



الگوی شماره دو: مدل بسیج منابع؛ سازمان و منافع

۷. نتیجه‌گیری

در فرآیند کنش جمعی و نقش آفرینی جامعه براساس مدل بسیج منابع، مردم و جمعیت سیاسی براساس عناصری نظیر هویت مشترک و منافع جمعی دست به اقدام می‌زنند و در وضعیت انقلابی از خود واکنش نشان می‌دهد. این فرآیند نیازمند بستری به نام سازمان دهی است. اهمیت سازمان از آنجاست که بخش عمده کنش (نه همه آن) توسط گروه‌ها از آن طریق صورت می‌گیرد و از همین‌رو بررسی سازمان به شیوه نظری و کلی بسیار مفید است. به بیان دیگر هر چه سازماندهی مخالفین در یک انقلاب بیشتر باشد، بسیج منابع بیشتری در آن حرکت صورت می‌گیرد. سازماندهی مخالفین از طریق بسیج منابع موجب افزایش قدرت انقلابیون می‌شود برای سازمان دهی منابع بسیج نیروهای اجتماعی در مشروطه گیلان، مهمترین بستر عینی احزاب، کمیته‌ها و انجمن‌های فعال در گیلان می‌باشند. دو تشکل انجمن عباسی، اجتماعیون عامیون با این انگاره مورد بررسی قرار گرفتند که بستر

سازمان دهی بسیج منابع مدعیان علیه حکومت مستقر همین تشکل‌ها با تکیه بر منافع جمعی و هویت مشترک بوده‌اند. اینجا مهمترین و اصلی‌ترین بستر سازمان دهی بسیج منابع به سمت تصاحب قدرت مدنظر است. سازمان دهی در الگوی بسیج منابع تیلی محور بنیادین در اجرایی شدن و نیل به اهداف می‌باشد. انقلاب مشروطه به شکل‌گیری احزاب، گروه‌ها و کمیته‌ها دامن زد اما در مرحله شکل‌گیری خود متاثر از جدال فکری و مبارزاتی این تشکل‌های متعدد بود. در گیلان این جریان‌ها مشروطه خواه به دلیل همجواری با روسیه به نسبت سایر استان‌ها اثرپذیری و فراگیری بیشتری در حوزه اندیشه و مدل مبارزه داشتند. مشروطه گیلان در ابتدا مدل رفتاری و الگوی سیاسی اش برگرفته از مشروطه تهران و تبریز بود. اما با گسترش فعالیت انجمن‌ها، احزاب و کمیته‌های مرتبط با قفقاز به تدریج مدل قفقازی به ویژه در نوع کنش‌گری مسلحانه و بسیج منابع به سمت شورش، کودتا و لشکرکشی سوق داده شد. این الگوبرداری پس از قطع ارتباط تهران و گیلان پس از کودتای محمدعلی شاه بیشتر مورد استقبال مشروطه خواهان قرار گرفت. بررسی منافع و اهداف انجمن عباسی، کمیته ستار و اجتماعيون عاميون در فصل چهار با همين رویکرد صورت پذیرفت تا بستر سازمان دهی بسیج منابع در مشروطه گیلان که محل نقش آفرینی مردم است نشان داده شود.

برخی از این تشکل‌ها مانند مجاهدین از مبانی سیاسی قوی برخوردار بودند بعضی نیز از نظر مذهبی بسیار محکم بودند مانند انجمن ابوالفضل، انجمن روحانیان، بعضی دیگر هم به لحاظ صنفی و حرفه‌ای بودن جایگاه خاصی در زمینه فعالیت اقتصادی مورد نظر داشتند. این گروه از انجمن‌ها که متجدد و خواهان نوآوری برای انجام تغییرات بودند در مقابل انجمن‌های ملاکین و مستبدین قرار داشتند که طیف خاصی از زمینداران و صاحبان قدرت های محلی در آن‌ها شرکت داشتند. انجمن عباسی در مسیر اعتراضات و شورش دهقانی در قالب قیام علیه خوانین و عدم پرداخت مالیات یا بیرون راندن نماینده حاکم نقش اساسی داشت. در واقع عمده فعالیت انجمن عباسی متمرکز بر سازمان دهی نیروهای مردمی روستاها است. با آن‌که اجتماعيون قفقاز به تشکیل شعبه‌های گیلان کمک کرده بودند، اما پیوند آن‌ها با این شعبه‌ها رفته رفته سست شد. احتمالاً اجتماعيون گیلان - مانند مرکز غیبی تبریز - نمی‌خواستند تابع مرکز قفقاز باشند. اجتماعيون باکو دو نماینده به رشت فرستادند تا «رشته مجاهدین رشت را به مجاهدین قفقاز وصل [کنند.]» به اعتقاد مرکز باکو، «باید مجاهدین رشت در تحت اطاعت مجاهدین قفقاز باشند.» شعبه رشت زیر بار این امر

تحلیل جامعه‌شناختی از منافع و کنش‌گری انجمن‌ها و احزاب سیاسی در ... (علیرضا زادبر و دیگران) ۱۹۱

و نهی نرفت. اجتماعيون رشت ارتباط خود را با مرکز قفقاز به طور کامل نگسستند، اما اجازه ندادند که گروه شان به صورت شعبه آن مرکز دربیاید.

کتاب‌نامه

- آدمیت، فردیدون (۱۳۵۵). فکر دمکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت. تهران: پیام.
- آفاری، ژانت (۱۳۸۵) انقلاب مشروطه ایران؛ رضا رضایی؛ تهران: نشر بیستون؛ چاپ اول.
- بشیری احمد (۱۳۶۷) کتاب نارنجی: گزارش های سیاسی وزارت خارجه روسیه تزاری درباره انقلاب مشروطه ایران، ناشر: نور.
- پرتو، افشین. (۱۳۹۳). مشروطه و گیلان تاریخ رویدادهای گیلان در دوران پادشاهی مظفرالدین شاه و محمد علی شاه قاجار. رشت: نشر فرهنگ ایلیا.
- تیلی، چارلز. (۱۳۸۵) از بسیج تا انقلاب. مترجم: علی مرشدی زاد. تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی
- رابینو، لویی (۱۳۶۸) مشروطه گیلان، به کوشش محمد روشن، رشت: انتشارات طاعتی؛ چاپ اول.
- عظیمی دویخشری، ناصر. (۱۳۸۸) جغرافیای انسانی و اقتصادی گیلان، رشت: فرهنگ ایلیا.
- عظیمی، ناصر (۱۳۹۶). تاریخ گیلان از ورود شاه عباس اول به گیلان تا پایان انقلاب جنگل. رشت: نشر فرهنگ ایلیا.
- عیسوی، چارلز. (۱۳۶۲). تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند. تهران: گستره.
- فاخته، قربان، (۱۳۸۶). نگاهی به گیلان زمین. تهران: نشر لوح زرین.
- فخرایی، ابراهیم (۱۳۷۱) گیلان در جنبش مشروطیت، تهران: انتشارات آموزش و پرورش انقلاب اسلامی، چاپ سوم.
- فرهادی، احسان تحلیلی جامعه شناختی از منافع گروه ها در انقلاب مشروطه، نشریه جستارهای سیاسی، بهار ۱۳۹۲ سال چهارم.
- فولر، گراهام (۱۳۹۴). قبله عالم ژئوپلیتیک ایران، مترجم: عباس مخیر، تهران: نشر مرکز.
- کتاب آبی: گزارش های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطه ایران، ویرا ستار: احمد بشیری، ناشر: نو
- کشاوری، کریم. (۱۳۷۱). نهضت جنگل (اسناد محرمانه و گزارش ها) تهران: سازمان اسناد ملی.
- کهنسال واجارگاه، حسین. میرزایی، طاهره. (۱۳۹۴) نقش سردار محیی در تحولات گیلان عصر مشروطه و جنبش جنگل. رشت، ناشر: بلور
- نش، کیت (۱۳۸۸) جامعه شناسی سیاسی معاصر جهانی شدن، سیاست، قدرت، ترجمه ی محمدتقی دلفروز، تهران:
- هولمز، ریچارد. (۱۳۹۰). سفرنامه ی ساحل خزر. ترجمه شبنم حجتی سعیدی. رشت: فرهنگ ایلیا.

۱۹۲ جامعه پژوهی فرهنگی، سال ۱۳، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۱

یزدانی، سهراب (۱۳۹۲) اجتماعیون عامیون تهران: نشر نی.

Diani, Mario. 1992. The concept of Social Movement. Review 40: 1-37. Edinburgh University Press.

Janet Afary, Peasant Rebellions of the Caspian Region during the Iranian Constitutional Revolution, 1906–1909 Published by Cambridge University Press: 29 January 2009.

Olson, Mancur. 2002. The Logic of collective Action. Cambridge, MA: Harvard University Press.

Taylor, Verta. 1984. Collective Identity in Social Movement Communities. New Haven, CT: Yale University Press.